

دیدگاه‌های فقهی میرزای قمی

در جریان جنگ‌های ایران و روسیه

دکتر محمد علی خیرالهی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

◆ چکیده:

ابوالقاسم بن محمد حسن معروف به میرزای قمی از فقهای شیعه بود در جریان جنگ میان روسیه تزاری و ایران که به مدت ده سال به طول انجامید حکومت تهران نسبت به حمایت روحانیت و خصوصاً میرزای قمی احساس نیاز کرد و استفتائاتی نمودند. مانند: در این اوقات که طایفه روسیه به جانب ممالک محروسه ایران آمده و همت بر تسخیر بلاد اسلام گماشته دفع ایشان شرعاً واجب و لازم است یا نه؟ و پاسخ میرزا چنین بوده است. هرگاه منظور ایشان تغییر شرایع و احکام اسلام و یا اذیت و نفوذ و احراز مسلمانان و غارت اموال ایشان است بلی واجب است و در بحث هزینه جنگ پس اظهر این است که زکات مال، در مطلق راه خیر از باب سهم فی سبیل الله می توان رساند و این امر از اعظم وجوه راه خیر و فی سبیل الله است و در اعطای نمایندگی به شاه فرمودند: کجاست آن بسط یدی از برای حاکم شرع که خراج را بر وفق شرع بگیرد و بر وفق آن، صرف غزات و مدافعیین نماید؟ و کجاست آن تمکن که سلطنت و مملکت گیری را نازل منزله غزای فی سبیل الله کند. نام حلوا بر زبان راندن نه چون حلواستی. عجل الله فرجنا بفرج آل محمد (ص) و جعل سلطاننا بسلطانہ

کلمات کلیدی: میرزای قمی، مرجعیت، استفتاء، جنگ، ایران، روس.

۱- مقدمه

به نام حقیقت هستی و درود بر نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش. مراجع تقلید در طول تاریخ نقش بسزایی در تحولات اجتماعی داشته اند و توانمندیهای آنان در مسائل اجتماعی از اموریست که حتی دشمنان نیز بدان اعتراف نموده اند یکی از این مراجع تقلید میرزای قمی و یا محقق قمی صاحب کتاب ارزشمند قوانین الاصول می باشد او از مراجع بزرگ تقلید ایران اسلامی بوده و در عهد فتحعلی شاه قاجار عنوان مرجعیت علمی ایران زمین را به عهده داشته است. در جنگ میان روسیه تزاری و ایران که به مدت ده سال به طول انجامید، بود میرزای قمی در مسئولیت و مرجعیت تقلید و در اوج شهرت خود بود پس از گذشت حدوداً پنج سال از آغاز جنگ یعنی سال ۱۲۲۳ هجری قمری حکومت تهران نسبت به حمایت روحانیت و خصوصاً میرزای قمی احساس نیاز کرد محقق قمی در آن سالها سخت در تنگنا قرار می گیرد از طرفی تأیید فتحعلی شاه، تأیید همه جنایت‌های آقا محمد خان قاجار بود که فتحعلی شاه به عنوان ولیعهد و مرد دوم قدرت در کنار او و پیشتاز ماجراهایی از قبیل قتل عام مردم کرمان بوده است از طرف دیگر تضعیف فتحعلی شاه به منزله کمک به روسیه تزاری بود که علاوه بر کینه مذهبی و نژادی که نسبت به ایران داشت، وحشی ترین حکومت اروپای آن روز بوده است، میرزا با دقت تمام در صدور فتوی آنچه را که وظیفه شرعی و مکتبی اش بوده را انجام داده. هم جنگ و دفاع در برابر روس را جهاد دفاعی واجب اعلام می کند و هم از هر نوع تأیید نسبت به فتحعلی شاه خودداری می نماید در این نوشتار ما ابتداءً به زندگی میرزای قمی به صورت مختصر اشاره نموده و مقداری از وقایع و حوادث جنگ ایران و روس را مورد تذکر قرار داده و سپس به فتاوی و دیدگاههای علمی میرزای قمی در مسایل مربوط به جهاد و دفاع و مباحث مربوط به ولایت و حکومت که نشان دهنده تفکرات میرزای قمی است اشاره می نمایم هدف از طرح این مقاله نشان دادن موقعیت مراجع تقلید گذشته در مسایل اجتماعی و بیان دیدگاههای فقهی میرزای قمی در این خصوص بوده است.

۲- زندگی میرزای قمی

ابوالقاسم بن محمد حسن معروف به میرزای قمی از فقهای شیعه. وی اصلاً گیلانی و تولدش

در سال ۱۱۵۲ هـ ق در جابلق و تحصیلات او در عراق بوده و نزد آقا باقر بهبهانی و دیگران تلمذ نموده سپس در قم اقامت گزید. او را تالیفات زیادی است از جمله قوانین در اصول و جامع الشتات به زبان فارسی در فقه و کتاب غنائم در فقه استدلالی و مناہج در فقه و معین الخواص در فقه و رسائل دیگری در فقه و اصول و کلام و حکمت. و نیز دیوان شعری در حدود پنج هزار بیت و منظومه ای در علم معانی و بیان. وی به سال ۱۲۳۱ در قم بدرود حیات گفت. (دهمخدا. لغت نامه. وازه میرزای قمی.)

چابلق (نزدیک خمین، الیگودرز و گلپایگان) بود. وی به اتفاق پدر و خاندان خویش ساکن این دیار گشت و پس از طی مقدماتی از علوم راهی خوانسار شد و مدتها از حضور سید خوانساری بهره برد، سپس وارد عتبات گردید و از محضر علامه مازندرانی، (محمد باقر هزار جریبی)، مرحوم نجفی عاملی و استاد گل وحید بهبهانی و... بهره ها برد تا خود به درجه اجتهاد و استنباط رسید. میرزا به سید بحر العلوم خیلی علاقه داشت و در جلساتی از محضرش خواستار موهبت‌هایی که از جانب خدا نصیب سید شده بود سؤالاتی می نمود و گاه سید در جلسات خصوصی بعضی گفتنی‌ها را در موارد تشرف به محضر حضرت حجت (ع) ضمن اصرار میرزا بدان اشاره می فرمود و گاه سید عمداً از شاخی به شاخه دیگر می پرید، گویا اجازه سخن نداشت. نوشته اند بیشتر سنوات عمر میرزا در شهرستان قم سپری شد و آیات بزرگی مانند مرحوم حاجی کرباسی، سید محمد باقر شفتی اصفهانی، آقازاده علامه مازندرانی، سید مهدی خوانساری و سید علی خوانساری (نواده میر کبیر) به اتفاق اعلام دیگر از محضر او بهره مند بودند و اکثر اینها خود به مقام استادی رسیدند. میرزا مولای فضلا و استاد فقهای عصر خویش بود. میرزا مردی متین، باوقار، پارسائی عاقل و هوشیار بود و در خلوص و زهد و ورع و تقوی یکتای عصر خویش بود. اکنون سری به کتاب محدث قمی می زنیم (هر چند اکثر صاحب تراجم علما جملاتی زیبا به وصف او آورده اند). مرحوم محدث می نویسد:

میرزا مردی مؤید و استوار و در دین خود باکیاست، و راجع به امور اخروی زیرک از ذات خدا ترسان و با هوای و نفس خویش مخالف بود. خشوعی وافر داشت و از ترس خدا چشمی پر از اشک، و دلی ناله دار، نسبت به دنیا زاهد بود. هر چند شاه زمانش در مقابل او خضوع و خشوع می کرد، او نسبت به او بی اعتنا تر می شد و اصلاً توجهی به او نداشت... میرزا خطی نیکو داشت و تالیفاتی پسندیده به جا گذاشت: کتب قوانین، غنائم، مرشد العوام، جامع الشتات، و کتاب سؤال و جواب او ارزنده و اغلب مجتهدان بدان نیاز دارند. میرزا به جز اعلام بالا که ذکر شدند

شاگردان زیادی از قبیل: سید محسن کاظمینی، شیخ اسد الله شوشتری صاحب مقابیس، مرحوم سید جواد عاملی، مرحوم شیر و... از محضر او بهره مند بود. میرزا در سال ۱۱۵۱ متولد شد و پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین و بندگی خالصانه در دارالعلم شهرستان قم در سال ۱۲۳۱ وفات نمود. قبر شریف او در مقبره شیخان زیارت گاه است و صاحب قبر را کراماتی گویند. روان علمای ربانی شادتر باد. (www.shaaer.com)

داستانی از زندگی میرزای قمی

روزی شاه قاجار به قم آمد و وارد بر میرزای قمی (ره) شد. (وی ارادت زیادی به آن مرجع بزرگ داشت و هر وقت به قم می آمد، به زیارتش می رفت، میرزا ناگزیر می شد گاهی با او هم صحبت شود. البته همواره او را نصیحت می کرد. روزی به ریش بسیار بلند فتحعلی شاه دست کشید و فرمود: ای پادشاه! کاری نکنی که این ریش فردای قیامت به آتش جهنم بسوزد آن روز با هم در اتاقی نشسته بودند. فتحعلی شاه دید جوانی بسیار با ادب و با جمال، جای و ... می آورد و از آنها پذیرایی می کند. از میرزا پرسید: این جوان چه نسبتی با شما دارد؟ میرزا گفت: پسر من است. فتحعلی شاه که شیفته جمال و کمال جوان شده بود به میرزا گفت: دختری دارم، دوست دارم که همسر پسر شما شود! میرزا فرمود: ارتباط من با شما درست نیست. از این تقاضا بگذر. فتحعلی شاه اصرار کرد و گفت: باید حتماً این کار عملی شود. میرزا ناچار فرمود: پس یک شب به ما مهلت بده تا فکر کنیم. فتحعلی شاه، یک شب مهلت داد. نیمه های آن شب، میرزا برای نماز شب برخاست، در آغاز نماز عرض کرد: خدایا! من می دانم که این وصلت باعث می شود که محبت من به تو کم گردد. اگر این وصلت ضرر دارد، مرگ فرزندانم را برسان.

مشغول رکعت دوم نماز شب بود که همسرش آمد و گفت: پسرت دل درد گرفته است. در رکعت چهارم بود که همسرش آمد و گفت: حال پسرت خیلی خراب است. سرانجام در قنوت رکعت یازدهم (نماز وتر) به او خبر دادند که پسرت از دنیا رفت. میرزای قمی پس از نماز به سجده افتاد و شکر خدا را به جای آورد که از این بن بست خلاص شده و نجات یافته است و در نتیجه مشکل وصلت و ارتباط با شاه به میان نیامد.

جالب تر این که: میرزای قمی (ره) نامه به شاه نگاشت و در ضمن آن نوشت: من مختصر محبت و ارتباطی هم که با تو داشتم آن را هم بریدم. من از تو متفرم و پنج شنبه از دنیا خواهم رفت. نامه را مهر کرد و برای شاه فرستاد. از قضا نامه زودتر از پنج شنبه به دست فتحعلی شاه رسید. فوراً دستور داد کالسکه او را آوردند، سوار بر آن شد تا از تهران زودتر خود را به قم برساند، بلکه با میرزا دیدار کند. به علی آباد قم که رسید، خبر رحلت میرزای قمی را شنید. دستور داد جنازه را دفن نکنند تا به قم برسد. خود را کنار جنازه میرزای قمی در قم رساند و گریه و زاری کرد و گفت: ای میرزا! تو مراد کردی، ولی من تو را دوست دارم. (www.pajoohe.com)

۳- جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار

رابطه ایران با روسیه در دوره قاجار خصوصاً در زمان زمامداری فتحعلی شاه خصمانه و حالت درگیری همیشگی داشت. در زمان فتحعلی شاه دو دوره جنگ‌های طولانی بین ایران و روسیه در می‌گیرد و طی این جنگ‌ها دولت انگلستان با توطئه و دسیسه افکنی کوشش می‌کند از آشوب و درگیری به وجود آمده در ایران به نفع خود و در رسیدن به مقاصد خود بهره جوید و دولت ایران را همیشه در تعهدات بلاعمل سرگردان و منتظر نگه دارد و سرانجام نیز با همکاری و هماهنگی به نفع روسیه دو عهدنامه ننگین بر ایران تحمیل کند.

هدف اصلی روسیه دسترسی به دریای آزاد بود، علت دیگر دست اندازی روس‌ها به خاک قفقاز بود که ساکنان آن خواستار خودمختاری بودند و همچنین قفقاز مرکزی و جنوبی که جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد و ساکنان آن هواخواه ایران بودند. از طرف دیگر مردم مناطق قفقاز شرقی یعنی گنجه، شیروان، تالش، باکو علاوه بر مسلمان بودن، طرفدار ایران بودند و این موجب نارضایتی روس‌ها می‌شد. گرجستان نیز یکی از علل اساسی اختلاف بین ایران و روسیه بود. گرجستان ناحیه حاصلخیز سبز و خرمی است که در دامنه کوه‌های قفقاز و در سواحل راست دریای سیاه واقع شده است. مردمی از نژاد آریایی از زمان‌های بسیار قدیم و شاید از نخستین روزهای هجرت نژاد آریایی ایرانی به نواحی امروزی در آنجا سکنی دارند و از نخستین روزهای تاریخ ایران نامشان در اسناد تاریخی ما آمده است (گرجستان در زمان آقامحمدخان به تصرف ایران درآمد بود) اما پس از ملحق شدن به روسیه فتحعلی شاه در بازگرداندن آن تلاش‌های بسیاری کرد. گنجه به سال ۱۲۱۸ ه. ق توسط سردار روسیه ژنرال سیتسیانف تصرف شد. به رغم

دفاع مردانه حاکم ایرانی گنجه (جوادخان قاجار)، خیانت ارامنه و مایوس شدن حکام قره باغ و ایروان از فتحعلی شاه سبب شد خانات ایروان به تصرف نیروهای روسیه درآیند. با تصرف این شهرها نیروهای روسیه تا حدود ارس پیشروی کردند. به محض اطلاع فتحعلی شاه از تسخیر گنجه و تسلیم ایروان و قره باغ سپاهی به فرماندهی عباس میرزا نایب السلطنه که از همه برادران خود لایق تر بود فرستاد. پس از پیروزی سپاه ایران در اچمازین فرمانده روس درصدد برآمد به سواحل گیلان لشکرکشی و سپس تهران را تسخیر کند و دولت ایران را تحت الحمايه روسیه درآورد. مقارن رسیدن سپاه ایران به ساحل رود ارس نیروهای روسیه به عزم تسخیر کردن گیلان راهی شدند. فرمانده روسیه در تسخیر گیلان به علت روبه روشن شدن با مشکلات و تلفات و خسارت های زیاد ناموفق ماند.

پاسکویچ درصدد برآمد تمامی نواحی متصرف شده توسط ایرانیان را بازپس گیرد. ابتدا قره باغ و سپس ایروان را تصرف کرد و در جبهه های طالش و لنکران قوای ایران را شکست داد لذا با شتاب خود را به گنجه رساند. عباس میرزا نیز با ۳۰ هزار سپاهی عازم گنجه شد. در این نبرد که به جنگ گنجه معروف شد عنقریب بود که گوی پیروزی نصیب ایرانیان شود اما به علت خیانت آصف الدوله صدراعظم جدید ایران در اعزام نیرو به سپاه ایران، در سپاه ایران بی نظمی به وجود آمد و تلاش های عباس میرزا در نظم بخشیدن به امور فایده ای حاصل نکرد و ناچار به عقب نشینی پرداخت و در نتیجه این عمل تلاش های ایرانیان در کسب فتوحات در خطر افتاد و باعث پیروزی کامل پاسکویچ و سپاهیانش شد.

پس از تصرف گنجه و وارد آمدن تلفات سنگین به سپاه ایران سرانجام معابر ارس به دست روس ها افتاد. کشتی های جنگی روسیه در سواحل روسیه با ترکمانان و ایلات یموت سازش کردند و حتی آنها را به طغیان علیه دولت ایران وادار کردند. پاسکویچ در تعقیب سپاه وارد آذربایجان شد و پایتخت ایران را مورد تهدید نظامی قرار داد. پس از آن عباس میرزا دسته های متفرق سپاه خود را به خوبی تمرکز داد و حفظ تبریز را به آصف الدوله سپرد اما با خیانت آصف الدوله تبریز توسط ارتش روسیه تصرف شد. سپاه روسیه بدون مقاومت مردم وارد شهر شده و ذخایر و مهمات دولتی را به تصرف درآوردند. با تصرف تبریز نیرو های ارتش روسیه تا ده

خوارقان پیش رفتند. در این هنگام بود که عباس میرزا فتحعلی خان رشتی را نزد پاسکویویچ فرستاد و از وی تقاضای صلح کرد. (www.fa.wikipedia.org)

۴ - دیدگاه‌های فقهی میرزای قمی در جریان جنگ.

در نهایت با توجه به مرجعیت تقلید میرزای قمی در ایران سئوالاتی از محضر ایشان شده است که این سئوالات می تواند به مقدار زیادی وضعیت آن دوره و تفکرات میرزای قمی را آشکار نماید که ذیلاً به بیان و توضیح برخی از این سئوالات و پاسخها می پردازیم .

الف - جهاد

یکی از سئوالاتی که از محضر میرزای قمی شده بود این است که در شریعت نبویه جهاد به چه معنی اطلاق می شود و چند قسم است و جهادی که اذن امام در آن شرط است و جهادی که اذن امام شرط نیست کدامند ؟

میرزای قمی از این سئوال پاسخ می دهند که اطلاق لفظ جهاد و استعمال آن در مطالب شرعیه چه بعنوان حقیقت یا مجاز بسیار است در برخی از این موارد پای مرگ در میان نیست مانند جهاد با نفس و اجتناب از اطاعت قوای شهویه و غضبیه که به این امور جهاد گفته می شود و یا اینکه پای جنگ و جدال در میان باشد که خود دارای اقسامی است یکی از انواع آن جهاد دفاعی است که پیغمبر (ص) یا امام (ع) به مردم دستور می دهند تا به جهاد رفته و با کفار جنگ کنند که این در زمان حضور و به اذن امام (ع) و یا اذن نائب خاص او می باشد و از همین نوع است جنگ و جدال با اهل بغی که مراد از اهل بغی جماعتی از مسلمانان هستند که بر امام زمان خروج کنند مانند جنگهای معاویه و طلحه و زبیر و اهل نهروان با امیرالمومنین (ع) که این دو نوع به عنوان جهاد ابتدایی محسوب شده و به اذن امام می باشد سومین نوع جهاد که در زمان غیبت امام هم تصور دارد این است که کفار به سرزمینهای اسلامی حمله کنند و بخواهند اصل اسلام را تلف کرده و از بین ببرند که در این صورت بعنوان جهاد دفاعی محسوب شده و مسلمانان می توانند در مقابل این حمله کفار دفاع نمایند بنابراین در جهاد دفاعی حضور و اذن امام شرط نیست و مسئله دفاع به عنوان یکی از مسائل مهمی است که نه اذن امام و نه اذن مجتهد جامع الشرایط در آن مطرح است . همانگونه که میرزای قمی عنوان فرمودند انواع جهاد به لحاظ جنگ و جدال به دو دسته جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم می گردد که خود جهاد ابتدایی به دو قسم جهاد ابتدایی با کفار حربی

و جهاد با اهل بغی قابل تقسیم است که جهاد ابتدائی به هر دو نوع آن، مشروط به حضور امام (ع) بوده و در زمان حضور پیغمبر و یا امام قابل تصور است اما جهاد دفاعی تابع هیچ زمانی نیست و هرگاه که کفار بر سرزمینهای اسلامی حمله برند آنان موظف به دفاع از کیان اسلام هستند . (علامه حلی . منتهی المطلب . ج ۲ ص ۹۰۰)

شهید اول نیز عنوان می کند جهاد به شرط دعوت امام عادل و یا نایب خاص آن واجب می باشد ولیکن اگر حاکم جائری انسان را به جهاد بخواند در حال اختیار اجابت کردن آن جایز نیست مگر اینکه از عرصه اسلام و بیضه الاسلام بترسند به این ترتیب که هرگاه کفار به قصد نابودی از اسلام و مجتمع اسلام حمله نمایند بر هر آنکه در معرض حمله قرار گرفته دفاع واجب است و این جهاد دفاعی بر همه واجب می باشد بدون اینکه امام و یا نایب او در میان باشند و یا اذن دهند و اگر هم احتیاج به کمک رسانی از سوی دیگران باشد این امداد واجب می باشد. (شهید الاول . الدروس . ج ۲ ص ۳۰)

ب - حمله روسیه به ایران

یکی از سئوالاتی که از محضر میرزای قمی پرسیده شد این است که در این اوقات که طایفه روسیه به جانب ممالک محروسه ایران و سایر بلاد مسلمانان آمده و همت بر تسخیر بلاد اسلام گماشته دفع ایشان شرعاً واجب و لازم است یا نه ؟

جواب میرزای قمی چنین است: هرگاه منظور ایشان تغییر شرایع و احکام اسلام و یا اذیت و نفوذ و احراز مسلمانان و غارت اموال ایشان است بلی واجب است و هرگاه جمعیتی که به بعض آنها کفایت در دفاع حاصل شود به هر یک از طوایف آنها واجب کفایی است و اگر کفایت حاصل نشود بر همه واجب می شود که امداد کنند و متعین می شود . و باز در این خصوص از محضر ایشان سؤال گشته است که آیا در صورتی که دعوی و قتال جهاد با ایشان که به قصد مال و عرض و قتل مسلمانان و تسخیر جمیع بلاد اسلام آمده اند شرعاً واجب شد صواب مجاهدین و مقاتلین در این قتال با صواب مجاهدین صدر اسلام که در نزد امام جهاد می کردند تفاوتی دارد یا نه ؟ و آیا این کشتگان شهید به حساب آمده و صواب شهیدانی که در آیات و روایات وجود دارد به آنان می رسد یا نه ؟

میرزای قمی در پاسخ فرمودند شکی نیست در اینکه بر کسی که با این جماعت که مقصود ایشان تغییر احکام اسلام و تبدیل دین خداست قتال کند هر گاه نیت او خالص از برای خدا و حفظ دین او باشد پس هر حدیثی که دلالت می‌کند بر فضیلت قتال در راه خدا بر او شامل می‌گردد.

میرزای قمی در کلمات خود به روایاتی اشاره می‌کند که به سند معتبر از حضرت صادق (ع) روایت شده که امام صادق از رسول الله (ص) خیر آورده اند که پیامبر اسلام فرمودند: جبرئیل امین به من خبری داد که بدان وسیله چشمانم پر نور گذشت و قلبم شاد جبرئیل چنین گفت: که ای محمد هر آنکس از امت تو در راه خداوند شهید گردد و کوچکترین آسیبی ببیند خداوند برای او ثواب شهادت می‌نویسد. (حرعاملی. وسائل الشیخ. ج ۱۱ ص ۶)

و نیز در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده که رسول الله فرمودند: فوق هر نیکی، نیکی دیگری هم هست تا اینکه شخص در راه خدا کشته شود که اگر انسان در راه خدا کشته گردد دیگر برتر از او خیری وجود ندارد. (همان. حدیث ۲۱)

ج - فرماندهی جنگ

در ادامه سئوالات، سخن از اذن مجتهد در خصوص این جنگ به میان آمد و سؤال کننده در صدد بحث از ولایت فقیه برآمده تا زمینه را برای اخذ ولایت نمایندگی برای شاه آماده نماید و لذا سئوالی بدین ترتیب مطرح کرد که اینک در صورتی که این طایفه به قصد تسخیر بلاد اسلام و اجرای احکام کفر و منع اجرای احکام اسلام آمده باشند و از آنجا که بدون رئیس جهاد با آنان ممکن نیست آیا شرعاً جایز است در این صورت شخصی به اذن مجتهد جامع الشرائط که نائب امام است در ایام غیبت مباشرت ریاست و لشکرکشی و مقاتله کند؟

میرزای قمی در پاسخ به این سؤال از آنجا که نمی‌خواست برای شاه نمایندگی ولایت فقیه را واگذار کند پاسخ را به سمت تخصص در احکام برده و در جواب می‌گوید: البته شکی در جواز آن نیست هرگاه باعث تعطیل قتال و تأخیر آن نشود چون او اعرف از احکام است و فی الحقیقه این مراجعه به مجتهد است از برای دانستن طریقه و احکام این مقاتله و اگر مراد رجوع به اوست در اصل کیفیت مقاتله و محاربه پس اهل آن عمل اعرافند به آن از اغلب مجتهدین. همانگونه که مشخص است میرزای قمی در عین اینکه پاسخ مثبت می‌دهد اما به تفصیل داخل بحث نمایندگی خود نشده و نخواست تا آن را به شاه واگذار کند.

ر - مصرف مالیات و عوارض در جهاد

یکی از سئوالاتی که از میرزای قمی شده بود این است که مالیات و عوارضی که گرفته می شود و صرف دفاع کفار می گردد چه صورتی دارد؟

میرزای قمی در پاسخ عنوان می کنند: خراج اراضی خراجیه در مذهب ما موضوع است از برای مصارف عامه مسلمین و از اعظم آنها مجاهدین است و مدافعین از اسلام نوعی هستند از مجاهدین و به مصرف ایشان رسانیده اند جایز است و آن موکول است به نظر امام عادل و پس از غیبت امام عادل حاکم شرع یعنی مجتهد عادل نائب امام است در تعیین مقدار و رسانیدن آن به مصرف. و حقیر به حصه خود راضی ام که به قدر حاجت مجاهدین و مدافعین به آنان داده شود.

میرزای قمی در پاسخ خود به این نکته اشاره کردند که خراج اراضی خراجیه در مذهب ما موضوع است از برای مصالح عام مسلمین. مقصود ایشان از خراج اراضی خراجیه این است که برخی از زمینها در صدر اسلام بگونه ای آزاد گذشتند که به زمینهای صلح مشهور شده اند این زهره حلبی در این خصوص عنوان می کند اما اراضی صلح که همان اراضی جزیه می باشند بگونه ای هست که اگر امام بخواهد آن را به عنوان اراضی خراجیه در نظر می گیرد به این معنا که صاحبان این زمینها می توانند در آن تصرف نموده و از کشاورزی و دامداری و مانند آن و یا به صورت خرید و فروش هرگونه تصرفی که بخواهند در آن صورت دهند و امام از این زمینها خراج بگیری. (ابن زهره حلبی. غنیة النزوع. ص ۲۰۴)

ظاهراً منظور میرزای قمی این است که اراضی که تحت حکومت پادشاه آن روز بود از نوع اراضی خراجیه به حساب می آمد و خراجی که از این نوع اراضی دریافت می گشته است از آنجا که برای امام معصوم می باشد و در زمان غیبت از آن ولی فقیه است میرزای قمی عنوان نمودند که من به مقدار حصه خود راضی هستم که به مجاهدین داده شود.

و نیز از محضر میرزای قمی سؤال مشابه ای تکرار شده است به این طریق که منافع اراضی خراجیه و حصه السلطان از مزارع و املاح را به اذن مجتهد اخذ و به مصرف مجاهده می توان رسانید؟ که میرزای قمی در پاسخ به این سؤال فرموده اند: منافع اراضی خراجیه یعنی زمینهایی که پیغمبر یا امام یا قائم مقام ایشان به زور و قوه گرفته باشند از کفار و همچنین زمینهایی که کفار با عنوان صلح واگذاشته اند به مسلمین مال عامه مسلمین است مثل مجاهدین و قاضیان به حق و پل و رباط و طلبه علوم و ائمه جماعت و مؤذنین و امثال آنها و ولایت و مباشرت و تصرف در آن به

تقدیر و تدبیر امام عادل موکول است که بگیرد و به مصارف آنها برساند. و معروف از مذهب اصحاب ما این است که در حال تسلط سلطان جائز از مخالفین مذهب نیز حکم آن حکم امام عادل است، یعنی آنچرا بگیرد به اسم مقاسمه و خراج، هرگاه بگیرند و بدهند به اهل آن حلال است.

س - مصرف وجوه شرعیه برای جهاد

از جمله سنوالاتی که از میرزای قمی پرسیده اند مصرف وجوه شرعیه برای جهاد است بدین ترتیب که بر همه عالم مشخص است که کفره روسیه را دولت و مملکت و غده و ریاستی می باشد که به لشکرکشی جزیبی و در مدت قلیله دفع ایشان در حین امکان نیست و موقوف بر ترتیبات و اسباب و اسحله جنگگ توب و تفنگگ و علم و طبل و سایر ادوات است آیا آنها داخل مصالح مسلمین است و مال معد بر مصالح مسلمین را بر آنها صرف می توان نمود یا نه؟

در پاسخ میرزای قمی عنوان نموده اند بلی این هم از مصالح مسلمین است اما سخن در این است که تصرف در آن اموال و به مصرف رساندن آن کار کی است؟ و اما بدون اطلاع حاکم شرع در زمان غیبت می توان مصرف کرد یا نه؟

و نیز سؤال کننده ادامه داده است که آیا زکات مالیه و مال امام (ع) را برای مصارف دشمن دین مبین که بر سر مسلمین آمده اند به اذن مجتهد جامع الشرایط می توان رسانید یا نه؟

پاسخ میرزا: اما زکات مال، پس اظهر این است که در مطلق راه خیر از باب سهم فی سبیل الله می توان رساند و این امر از اعظم وجوه راه خیر و فی سبیل الله است ولیکن اشکال در این است که آیا فقر در اخذ آن شرط است یا نه؟ اظهر در نزد حقیر این است که شرط است و در دادن این زکات در این راه اذن مجتهد عادل ضروری نیست و اما حصه امام (ع) از خمس اظهر در نظر حقیر این است که باید به فقراء بنی هاشم داد از باب تنمه مؤنه و به این مصرف نمی توان رساند آن هم به اذن مجتهد عادل با امکان.

همانگونه که میرزای قمی اشاره کردند یکی از مصارف وجوه شرعیه جهاد می باشد که در کنار امور دیگری که با عنوان مصالح مسلمین جای می گیرد مصرف می شود در این خصوص فقهای دیگر نیز همین عقیده را داشته از جمله علامه حلی عنوان می کنند که برای زکات و در مجموع وجوه شرعیه مصارفی وجود دارد که یکی از آنها جهاد می باشد و اصولاً سبیل الله که در آن تمام مصالح مسلمین مطرح می گردد مانند ساخت پلها، اماره و ساخت مشاهد مشرفه و مساجد

و غیر آن همه از سبیل الله می باشد که یکی از این موارد مجاهدین و جهادکنندگان هستند .
(علامه حلی . مختلف الشیعه . ج ۶ ص ۳۶۰)

ص - مرابطه

از محضر میرزای قمی پرسیده اند : در ایام غیبت امام (ع) حکم مرابطه باقی است یا نه ؟ که میرزای قمی در پاسخ فرمودند بلی مرابطه در زمان غیبت امام هم مستحب است چون متضمن جهاد نیست که اذن امام در آن شرط باشد بلکه مراد از آن این است که در ثغور یعنی سرحدی که برای کفار است به بلاد اسلام ، آنجا باشند و پاسبانی کنند و باخبر باشند که هرگاه کفار حرکتی کنند به سمت بلاد اسلام مسلمانان را باخبر کنند که مهبای قتال و دفاع آنها شوند .

در خصوص این دیدگاه میرزای قمی که مرابطه را در زمان غیبت امام هم مستحب می دانند و در مجموع در فضیلت مرابطه حدیثی است که از رسول خدا (ص) روایت شده است به اینکه پیغمبر اسلام فرمودند: مرابطه و نگهبانی در یک شب در راه خدا بهتر از روزه یک ماه و قیام در آن است پس اگر شخص در راه نگهبانی سرحدات سرزمین اسلامی بعیرد بر همان راهی که بر آن قدم برداشته است یعنی جهاد ، به شهادت رسیده و هر آن عمل قابل ثوابی که قرار بود در دنیا انجام دهد بر او مستمر و پایدار است و گویا زنده است و عبادت می کند و بر شخص تمام احکام عبادت یک زنده استوار و پایدار می ماند . (الهندی . کنز العمال . ج ۲ ص ۲۵۳)

ع - غنائم جنگی

طبیعتاً هر جنگی می تواند غنیمتی نیز داشته باشد و در جریان جنگ ایران و روس نیز بحث غنائم جنگی یکی از سئوالاتی بود که از محضر میرزای قمی پرسیدند که غنیمت و اسرای کفره روسیه که در این زمان غیبت به دست می آید در دعوی و قتال چه حکمی دارد ؟ آیا همه مال امام است یا نه ؟

میرزای قمی از این سئوال پاسخ دادند که این غنائم مال امام نیست بلکه مال کسی است که آنها را گرفته و آنچه به گوش سائل خورده که غنیمتی که در جنگ کفار به غیر اذن امام بیارند آن مال امام است و از قبیل انفال است آن در صورتی است که قتال بر سبیل جهاد است یعنی دعوت کفار به اسلام اما جنگ و قتالی که بر سبیل دعوت اسلام نباشد بلکه محض از برای دفاع باشد، مثل صورت سئوال این از قبیل دزدیدن مال حربی است و یا گرفتن به عنوان غارت و حکم آن این

است مال کسی است که می‌گیرد اما وجوب خمس در آن پس دو قول است بعضی قایل به وجوه شده‌اند چون این از باب منافعی که هست و ارباح است و بعضی واجب ندانسته‌اند و به هر حال اقوی این است خمس از حیث غنیمت بودن تعلق نمی‌گیرد بلکه از باب ارباح مکاسب است.

در خصوص غنائم نظرات مختلفی در میان فقهاء وجود دارد و البته این نظرات در اصول کلی دارای اشتراک هستند اما در این خصوص محقق سبزواری عنوان می‌کنند: هرگاه که غنیمت به نزد رسول الله آورده می‌شد پیغمبر اسلام خمس آنرا دریافت می‌کرد و بقیه را به مجاهد می‌داد و دیگر در وجوب خمس تفاوتی نمی‌کند که غنیمت کم باشد یا زیاد اگر چه از شیخ مفید نقل شده است که نصاب غنیمت بیست دینار است و در خصوص مسئله فوق که جهاد دفاعی باشد محقق سبزواری عنوان می‌کنند که آنچه که از اموال اهل حرب که به نبرد مسلمانان آمده و مسلمانان در واقع در حال دفاع هستند، شهید در کتاب دروس خود ذکر نموده به اینکه این اموال از کفار گرفته می‌شود و هیچ خمسی در آن وجود ندارد بلکه از آن مجاهد است بر این اساس آن جهادی که به اذن امام باشد در آن خمس است و جهاد دفاعی که کفار به سرزمینهای اسلامی حمله می‌کنند اگر غنیمتی برای مسلمانان باشد در آن خمس وجود نداشته بلکه از آن مجاهد خواهد بود. (محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۳، ص ۴۷۷)

ف - نماز و روزه هنگام جنگ

یکی از مسائلی که از محضر ایشان پرسیده شده این است: آیا کسانی که به قصد قربت متوجه مدافعه و مجاهده می‌گردند و مقصود اصلی دفع کافران از بلاد مسلمین است در این سفر نماز و روزه ایشان چه حکمی دارد؟ میرزای قمی از این سؤال پاسخ فرمودند در صورت مزبوره باید قصر کنند و افطار نمایند.

همانگونه که از سؤال و جواب مشخص است اینکه مبحث جهاد از آنجایی که مجاهدان و رزمندگان در یک مکان مشخصی استقرار ندارند و از جهتی اینکه سفر آنان سفر حرام نمی‌باشد چرا که به منظور دفع کافران از سرزمینهای اسلامی صورت می‌پذیرد لذا نماز آنان شکسته بوده و به اصطلاح قصر است و روزه آنان نیز باید مورد افطار قرار گیرد یعنی بر آنان روزه واجب نیست چرا که در سفر هستند و البته باید بعداً آنرا قضاء نمایند.

ک - آموزش نظامی

طبیعتاً نبرد و دفاع از اموری است که آموزش نظامی برای آن بعنوان یکی از اصول اساسی مطرح است در عداد سئوالاتی که از محضر میرزای قمی در این خصوص شده است عنوان نمودند که چون مجاهده با این طایفه منحوسه موقوف بر تعلیم و تعلم انداختن توپ و تفنگ و سایر آلات و ادوات حربی است تعلیم و تعلم جایز و مباح است یا نه ؟

میرزای قمی در پاسخ عنوان فرمودند اصل معرفت اسب تاختن و تیر انداختن جایز و مشروع است و همچنین گرو بستن در آنها حلال است و فایده آن ، همین استعداد از برای قتال کفار و دشمن است لکن تعلیم و تعلم در صورتی که موقوف دفع دشمن باشد بر آن ، جایز بلکه واجب است در صورت وجوب امر به آن از باب امر به معروف با شرایط آن واجب است .

این کلام میرزای قمی را می توان در آیات قرآن کریم نیز مشاهده نمود که خداوند متعال فرمودند : واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم . آماده شوید برای دفع دشمنان از آنچه که توان دارید از قدرت و آماده سازی اسبان تا بدان وسیله دشمنان خدا و دشمن خود را بترسانید . (سوره انفال . آیه ۶۰)

ل - امر به جهاد

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و ارتباط آن با جهاد سئوالی از محضر میرزای قمی شده است که بدان می پردازیم سئوال کننده پرسیده است در صورتی که این مجاهده و مدافعه لازم و واجب گردید شرعاً آیا کسانی که در این امر تهاون نموده یعنی سستی کرده اند و ترک واجب می نمایند از باب امر به معروف اجبار و امتثال این امر می توان نمود یا نه ؟

میرزای قمی در پاسخ عنوان نموده اند که این از اعظم انواع معروف است و ترک آن از اعظم انواع منکر . و جایز است بلکه واجب است مؤکداً بر کسی که جامع شرایط امر به معروف و نهی از منکر باشد عمل به آن .

همانگونه که ملاحظه می گردد میرزای قمی وا داشتن دیگران به جهاد را یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانسته اند و این امر به معروف را بر کسی که جامع شرایط آن باشد در نظر گرفته اند . اینکه در کلمات میرزای قمی عنوان شده است که می توان امر به جهاد نمود در این خصوص محقق حلی نیز عنوان می کند هرگاه که دشمنان به سرزمینهای اسلامی حمله نموده اند .

واجب است که افراد مسلمان با کفار مجاهده کنند پس به هر مقداری که نیاز باشد باید این همکاری صورت پذیرد و اگر شخصی که والی بر مجاهدین است و فرماندهی آنان را بر عهده دارد به یکی از افراد امر کند تا به جهاد پردازند آن شخص باید پذیرد و این امر جهاد را از سوی شخصی که مصلحت مسلمانان را تشخیص می دهد واجب است به پذیرش دعوت و این امر ضروری می باشد. (محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱ ص ۲۳۲)

م - دفن شهیدان

یکی از سوالاتی که از محضر میرزای قمی در جریان این جنگ شده بود این است: آیا مسلمینی که در این جنگ کشته می شوند بدون کفن و غسل می توان آنان را دفن نمود یا نه؟ میرزای قمی از این سؤال پاسخ می دهند: مسلمین و مقتولین در این دفاع که به قصد محافظت دین اسلام کشته شده اند در حکم شهید می باشند که از نظر صواب و فضیلت شهیدند و آن دسته از شهدایی که در معرکه قتال کشته شوند یعنی در میدان نبرد جان بدهند اظهر این است که غسل و کفن کردن از آنان ساقط بوده و بر همان جامه هایی که بر تن آنان است بر آنها نماز کرده و دفن می کنند.

این سخن میرزای قمی برگرفته از کلام فقهاء است که در سخنان خود به همین مطلب اشاره نموده اند از جمله اینکه شیخ طوسی عنوان می کند شهیدی که در معرکه قتال به قتل برسد در لباس خود مدفون شده و از بدنش آن لباس کنده نمی گردد و غسل داده نمی شود بلکه در آن نماز خوانده و دفن می گردد که همین عقیده را ابوحنیفه و ثوری بدان اعتقاد دارند. (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱ ص ۷۱)

ن - مؤلفه قلوبهم

یکی از احکام جاریه در مبحث زکات این است که می توان کفاری که در مرزهای اسلامی زندگی می کنند را از زکات سهمی پرداخت نمود تا بدین وسیله تألیف قلب شده و دل آنان به سوی حکومت اسلام و ملت اسلام متمایل گشته تا اگر دشمن بخواهد از طریق مرزها به کشور اسلامی حمله کند، این مرز نشینان اگر چه دین اسلام را نپذیرفته اند اما بواسطه تألیف قلبی که صورت پذیرفته و به آنان پول داده شده است مانع حمله دشمنان به سرزمین اسلامی شوند که این

خود به عنوان یکی از مصارف زکات در کتب فقهی مشهور است و در خصوص بحث ما از محضر میرزای قمی سوال کرده اند: که آیا کفار و اهل کتابی که در این دعوی و مجاهده مدد اهل اسلام در دفع کفار از مسلمین می نمایند حکم مؤلفه القلوبهم جاری است یا نه؟ که میرزا در پاسخ فرمودند: ثبوت سهم مؤلفه القلوبهم از اصناف مستحقین زکات بعد از زمان غیبت امام (ع) بر حقیر ظاهر نیست لکن مضایقه ندارم که از سهم فی سبیل الله به کفار داده شود به جهت اعانت مسلمین و تقویت دین اسلام. در خصوص سهم مؤلفه القلوبهم مرحوم حکیم عنوان می نمایند مؤلفه القلوبهم از میان کفار کسانی هستند که به وسیله عطای مقداری از زکات بدیشان این قصد وجود دارد که میل و الفت آنان نسبت به اسلام و کمک مسلمانان در جهاد با کفار یا دفاع جلب شود و برخی از فقهاء پرداخت سهم مؤلفه القلوبهم را اختصاص به حضور امام داده اند که در نهایت گفته شده سهم مؤلفه القلوبهم و سهم جهاد در عصر غیبت حذف می گردد زیرا این افراد و اقسام به هنگام ظهور امام یافت شده و در خصوص جهاد ترغیب می گردند زیرا واژه تألیف مبین این قضیه است که به کفار زکات داده شود تا در امر جهاد کمک کنند اما در عصر غیبت که حکم جهاد منتهی است بر این اساس نمی توان از زکات چیزی به کفار داد تا تألیف قلب صورت پذیرد. این سخن شیخ طوسی توسط مرحوم حکیم مورد نقد قرار گرفته و عنوان کرده اند که تخصیص به حال حضور غیر ظاهر است و اطلاق کتاب این نظر شیخ را رد می کند و اگر هم مشاهده می کنیم که در بعضی از نصوص به امام تعبیر شده است به این اعتبار می باشد که او ولی اصلی است نه اینکه در عصر غیبت اصلاً ولی نداشته باشیم و اصل تألیف قلب مطرح نباشد. (الحکیم، مستسک العروه، ج ۹ ص ۲۴۶)

همانگونه که ملاحظه می گردد میرزای قمی در بحث مؤلفه قلوبهم در عصر غیبت با شیخ طوسی هم عقیده بوده که در عصر غیبت مؤلفه القلوبهم به عنوان یکی از مصارف زکات مطرح نمی گردد که البته مرحوم سید محسن حکیم با این دیدگاه مخالف است و راه حلی که میرزای قمی برای این قضیه در نظر گرفته است همان پرداخت پول به کفار از سهم سبیل الله می باشد تا به جهت کمک و تقویت اسلام آنان را ترغیب نمایند.

و - هجرت

مبحث هجرت به عنوان یکی از مسایل فقهی برای مسلمانان مطرح است به این ترتیب که اگر مسلمانی نتواند در سرزمینهای کفر به امر دین خود بپردازد در متون اسلامی به هجرت از آن دیار

تشویق و در برخی از اوقات به وجوب تعبیر گذشته است سوالی که در این خصوص از محضر میرزای قمی شده است چنین می باشد بلادی را که روسیه غالبند و اظهار شعار اسلام نمی توان نمود بر مسلمین آنجا ترک اوطان بر فرض امکان واجب است یا نه؟ و تارک مهاجرت را عقوبتی در شرع است یا نه؟ و جاری کننده حق کیست؟ و در صورت احتیاج به اذن مجتهد عصر احدی را در این باب مأذون فرمایند.

میرزای قمی در پاسخ می فرمایند: بلی ظاهر این است که هجرت باقی است مادامی که کفر باقی است و حدیثی از رسول الله (ص) روایت شده که هجرت هیچگاه منقطع نمی گردد حتی اینکه توبه منقطع گردد و توبه منقطع نمی شود حتی اینکه خورشید از مغرب طلوع کند و حاصل مضمون آن این است که هجرت تا قیامت باقی است و هجرت گاهی واجب است و گاهی سنت و اما واجب آن است که در بلاد کفر باشد و عشیره و قبیله ندارد که به قوت آنان بتواند می تواند اظهار کرد مثل عباس عم پیغمبر از برای او مستحب است اما آنکه مستحب نیست برای او کسی است که عاجز باشد و بعد از بیرون آمدن از مرض یا فقر عدم تمکن از بیرون آمدن یا مانع ایشان می شوند و با وجوب هجرت ترک آن از گناهان کبیره است و مستحق تعزیر است از طرف حاکم شرع.

همانگونه که ملاحظه می شود میرزای قمی به بخش اول سوال و استفتاء پاسخ داده اند اما در قسمت انتهای که اذن مجتهد و واگذاری این حق به یک شخص که مثلاً شاه باشد میرزای قمی به این بحث که موضوع اذن و تنفیذ از سوی مرجع تقلید به شاه مطرح است مورد توجه ایشان قرار نمی گیرد.

۵ - شرکت علماء در جهاد

از جمله سنوالاتی که از محضر میرزای قمی شده است این است که در صورتی که پادشاه حکم و مقرر فرماید به نفعی که الحال، حکم پادشاهی شرف صدور یافته است که علما و فضلا تصدیق نکشیده به امر مدافعه و مجاهده مشغول نگردند و خودشان را معاف دانند، در این صورت اگر یکی از علما خواهد که محض تحصیل ثواب و تحریر مسلمین در زمره مجاهدین منسلک و متلبس به لباس اهل سلاح شود جایز است یا نه؟

میرزای قمی در جواب فرمودند: بلی جایز است و آنچه گفته اند که فقیه هرگاه متلبس به لباس جنیدی شود منافات با علم دارد در غیر صورت قتال و دفاع مشروع است. کدام عالم از جناب امیرالمومنین (ع) بالاتر است که اسلحه بر خود می آراست و اقدام به جهاد می نمود.

ی - ولایت فقیه و اذن در تصدی

یکی از مباحثی که در عصر غیبت مطرح می گردد بحث ولایت فقیه می باشد به این ترتیب که فقهاء در عصر غیبت امام زمان (ع) امر هدایت و رهبری و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارند. در خصوص این موضوع از محضر میرزای قمی سؤال شده است هرگاه این جهاد و دفاع محتاج به اذن مجتهد عصر باشد هر کس را که لایق و قابل دانند مرخص و مأذون نمایند و متصدی شرعی نمایند که مباشر عرف که متصدی جهاد است به اجازت قیام و اقدام کند بر واجب مذکور مسلمین و مجاهدین اطاعت و انقیاد نمایند و شرع و عرف مطابق و موافق گردد.

میرزای قمی در پاسخ این سؤال فرمودند صاحب این سئوالات و مکاتب این معقولات معلوم می شود که شخص عالمی است این لطیفه شما قرض باشد جواب این سؤال محتاج به بحر طویل که حال، مقام هیچیک مقتضی این نیست. از ابتلاهای غیر متاهیه این حقیر، همین باقی مانده که " عرف " را مطابق " شرع " کنم ا مجمل آن که پیش اشاره شد که این نوع مدافعه نه موقوف به اذن امام است و نه حاکم شرع، و بر فرضی که موقوف باشد، کجاست آن بسط یدی از برای حاکم شرع که خراج را بر وفق شرع بگیرد و بر وفق آن، صرف غزات و مدافعین نماید؟ و کجاست آن تمکن که سلطنت و مملکت گیری را نازل منزله غزای فی سبیل الله کند مصرع نام حلوا بر زبان راندن نه چون حلواستی. عجل الله فرجنا بفرج آل محمد (ص) و جعل سلطاننا بساطانه و سلطان اولاده و جعلنا من اعوانه و انصاره و جعل خاتمه امورنا خیرا بحق محمد و آله اجمعین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین. (میرزای قمی. جامع الشتات. ص ۳۳۷ ... ۴۰۱)

همانگونه که از این سؤال و پاسخ برمی آید نویسندگان این سئوالات که عبارتند از حاج باقر سلماسی و صدر الدین محمد تبریزی می باشند از طرف دربار برای این کار مأمور بودند تا به بحث اذن مجتهد عصر پرداخته و به دنبال این قضیه بودند که برای فتحعلی شاه از طرف مرجعیت عصر یعنی میرزای قمی اذن و تصدی شرعی دریافت کنند که میرزای قمی با تیز هوشی خاص خود و همانگونه که عنوان نمودیم به این خاطر که نخواست هم به فتحعلی شاه تصدی و ولایت واگذار

کند و هم از سوی دیگر نخواست تا از روسیه حمایت نماید و در جهاد با روسیه خلی ایجاد شود به این سئوالات زیرکانه پاسخ داده اند. از مجموعه جواب میرزای قمی برمی آید که اولاً این جهاد و دفاع موقوف به اذن امام و حاکم شرع نیست زیرا جهاد دفاعی می باشد و از سوی دیگر در بقیه امور که از جوانب این جهاد است بخواهند از ولی فقیه و مجتهد عصر اذن و تصدی برای شاه بگیرند میرزای قمی به این دیدگاه اشاره کرده اند که آن تمکن و سلطنت برای ما کجا متصور بود که اینچنین بخواهیم به دیگران تصدی و ولایتی دهیم و کجاست آن بسط الید برای حاکم شرع که بتواند در این خصوص عمل نماید و در تمام مسایل اجتماعی اظهار نظر و اظهار قدرت کند که فقط در هنگام نیاز که مثلاً جهاد باشد بحث ولایت و تصدی مطرح گردد چرا در امور دیگر مانند دریافت زکات و یا دریافت خمس، مباحث قضاوت و مانند آن به سراغ فقهاء دوران نمی روند که هم اکنون این قضیه اتفاق افتد و این جمله میرزای قمی که نام حلوا بر زبان راندن نه چون حلواستی مشرف به این قضیه است که ما را هوس سلطنت نیست که اگر خواستار ولایت فقیه هستیم به عنوان یک موضوع شرعی است که ما سلطنت خود را در سلطنت امام زمان (ع) می بینیم.

مبحث ولایت فقیه در عصر غیبت و مطالب مربوط بدان از امور گسترده فقهی است که فقط با یک نکته این را به خاتمه می بریم. امام خمینی در کتاب البیع خود عنوان نمودند که فقیه در عصر غیبت ولی امر است و تمام آنچه که امام (ع) بر آن ولایت داشته را می توان بر عهده فقیه نهاد از جمله آن موارد خمس است بدون اینکه تفاوتی میان سهم امام و یاسهم سادات باشد بلکه او ولایت بر انفال و فیه را نیز داراست و متحصّل از تمام آنچه که ماتحقیق نمودیم این است که فقیه تمام آنچه را که امام (ع) داشته است را داراست مگر اینکه به وسیله یک دلیل ثابت گردد بر اینکه آنچه که بر امام (ع) ثابت شده بوده جهت امامت امام بود یا جهات شخصیه که وابسته به حضور امام است باشد یا اینکه دلیلی دلالت کند بر اینکه فلان شی از شؤون حکومت و سلطنتی است که مختص امام می باشد کما اینکه در بحث جهاد ابتدایی و غیر دفاعی مطرح است. اگر چه ما در این نیز بحث و تأمل داریم و در هر صورت باید دانسته شود هر آنچه که ثبوتش برای امام یا رسول الله است از عناوینی است که بوسیله ادله ولایت فقیه ثابت می گردد. بیه در صورتی که شک داریم که آیا یک امر از شؤون امامت است یا نه می توان گفت بر عهده فقیه نیست. (امام خمینی. کتاب البیع. ج ۲. ص ۴۹۷)

فهرست منابع :

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- حلی، ابن زهره، ۱۴۱۷. غنیة النزوع، مؤسسه امام الصادق.
- ۳- حر عاملی، محمد حسین، ۱۴۱۴. وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت قم.
- ۴- حکیم، سید محسن، ۱۴۰۴. مستمسک العروه، مکتبه المرعشی النجفی، قم.
- ۵- خمینی، سید روح الله، ۱۴۱۰ ه. ق. تهذیب الاصول، نشر دارالفکر، قم.
- ۶- دمخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ تهران
- ۷- سبزواری، محقق، چاپ سنگی، کفایه الاحکام، مدرسه صدر مهدوی اصفهان.
- ۸- شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، کتاب الخلاف، دار المعارف، قم.
- ۹- شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، ۱۴۱۴، الدروس، جامعه مدرسین.
- ۱۰- علامه حلی، جمال الدین، ۱۳۳۳، منتهی المطلب، تبریز، نشر حاج احمد
- ۱۱- محقق حلی، نجم الدین، ۱۴۰۹، شرایع الاسلام، نشر استقلال، تهران.
- ۱۲- میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، جامع الشتات، مؤسسه کیهان.
- ۱۳- الهندی، المتقی، ۱۹۹۲ م، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت لبنان.
- ۱۴- www.shaaer.com
- ۱۵- www.pajoohe.com
- ۱۶- www.fa.wikipedia.org

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی